

نفرین تکر

در بسیاری از کشورهای باثبات و توسعه یافته یا در راه توسعه وقتی که سخن از زیبایی تنوع و پذیرش تکر می رود، یکی از مصادیق مهم تکر و تنوع حضور اقوام گوناگون در آن کشورها است. به بیانی دیگر، تنوع و تکر فرهنگی در شکل زبانها، رسمها، آیینها و سبکهای زندگی بر محملی حمل می شود و آن محمل در موارد زیادی «قوم»...

صفحه ۳



آبادولت اسلامی در افغانستان و پاکستان آینده دارد؟

ظواهر اشاخه‌ی دولت اسلامی در آسیای جنوبی محکوم به شکست است

در سه ماه آخر سال جاری شاهد چند حمله‌ی بزرگ محدود توسط گروه‌های وابسته به دولت اسلامی در افغانستان و پاکستان بوده‌ایم؛ حملاتی که مایه‌ی شگفتی بسیاری‌ها در مورد توانایی، قابلیت‌ها و چشم‌انداز آینده‌ی این گروه در این منطقه شد. هدف حمله‌ی در ماه اکتبر ۲۰۱۶...



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز می‌توانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



شورشی علیه بی توجهی

بر اساس آنچه که دفتر مطبوعاتی سرور دانش اعلام کرده، طرحی که از آن به عنوان «طرح جامع امنیتی» برای مناطق مرکزی یاد شده، به رییس‌جمهور داده شده است و بر سر آن در شورای امنیت ملی نیز بحث شده است. این طرح، فارغ از این که در مورد «جامع» و «امنیتی» بودنش بخواهیم سخن بگوییم، شامل پیشنهادهایی است که برای توجه به مناطق مرکزی روی میز رییس‌جمهور و اعضای شورای امنیت ملی گذاشته شده است.

مبتنی بر این پیشنهاد، برای تأمین امنیت راه‌های مواصلاتی میان ولایات و ولسوالی‌های مناطق مرکزی نیروهای بیشتری در قالب کتدک‌های اردوی ملی و پولیس اعزام و پایگاه‌های نظامی‌یی در این مناطق ساخته شود. در کنار آن، پیشنهاد شده است که شماری از ولسوالی‌های بزرگی که از نظر نفوس و مساحت ظرفیت تجزیه شدن به دو تا سه ولسوالی را دارند، به چند ولسوالی تقسیم شوند. نیز طرحی برای تنظیم رویه و انکشاف بهتر مناطق غربی پایتخت از سوی آقای دانش به رییس‌جمهور پیشنهاد شده است. پیش کشیدن این طرح از سوی معاون دوم رییس‌جمهور، با واکنش‌های متفاوتی در میان شهروندان روبه‌رو شده است. عده‌یی آن را...

صفحه ۲

استراتژی ۱۰ ساله‌ی زون پایتخت؛ چهره‌ی کابل تغییر می‌کند؟



بیشتر صحبت نمایید - کمتر بپردازید



برای اشتراک: #1*4*233* را دایل نمایید

مدت اعتبار: 30 روز

برای لغو اشتراک: #2*4*233* را دایل نمایید

در بدل 300
افغانی

1200 دقیقه

از افغان بیسیم به افغان بیسیم



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan



خبرنگار ناراضه

به هر صورت...

شماری از مسئولین شرکت‌های مسافری اعتصاب کردند و در منطقه‌ی کمپنی، گلیم اعتصاب آوار کرده، صبح تا غروب روی آن می‌نشینند و چای سیاه و سبز می‌نوشند. این مسئولین که در فضای اعتصاب به سر می‌برند، در اعتراض به بی‌توجهی حکومت اعتصاب کرده و از حکومت می‌خواهند که به خواست‌های آن‌ها رسیده‌گی کند.

یکی از این مسئولین که تازه از دفترش آمده بود به رسانه‌ها گفت: «سرک خراب است. مجاهدین سرک را ماین‌گذاری کرده، یعنی که طالبان زیاد کار خوب نمی‌کنند. از طرف دیگر دولت هم توجهش را کامل طرف سیاسیرا کرده. هر روز کنفرانس ملی سیاسیرا برگزار می‌کنند. چه مقصد داری با سیاسیرا؟ مگر مردا این کشور را آزاد نکرد؟ تا وقتی که حکومت غم سرک‌ها را نخورد، ما همین‌جا می‌شینیم. دست مسافرا هم خلاص، از حکومت هم بالايش.»

در همین حال شماری دیگر از مسئولین شرکت‌های مسافری که عمدتاً از مرکز به جنوب و غرب کشور مسافر می‌برند، قرار نشسته بودند. چند نفرش فیس‌بوک می‌زدند و از این‌که عکس‌هایشان در فیس‌بوک شیر می‌شد، خوشحال بود. اما یکی دیگر از مسئولین معتصب گفت: «سرک خراب است. یک‌طرفه نیست. بعضی از درویرا هم که پیش از حرکت یک سگرتی را تنها دود می‌کنند. نشئه می‌شوند. می‌آیند. نمی‌فهمند که کجا سرک چقر شده؟ کجا لر شده؟ کجا را طالبا پرانده؟ از دم روی چه رقم موتر می‌آید؟ فکر می‌کنند در هوا درویری می‌کنند. اکثریت تصادف‌ها که می‌شوند، به این خاطر است. توقع ما از دولت همین است که جر و جول سرک را ترمیم کند. دو طالب می‌آیند یک جای سرک را خراب می‌کنند، بسته حکومت نمی‌تواند پس جورش کند.»

اما یک حاجی دیگر که ادعا داشت شرکت او از بقیه موتر بیشتر دارد و اکثریت مسافرینی که تابه‌حال در تصادم کشته و زخمی شده‌اند، از شرکت او بلیط کرده بودند، به رسانه‌ها گفت: «من هرگونه ادعای دیگران را رد می‌کنم. خدایی این حکومت در قسمت ما بی‌توجهی می‌کند. در هر پوسته از ما پول می‌گیرد. یکیش به نام مواد مخدر، دیگرش به نام ترافیک، یکیش به نام نظم و امن عامه، دیگری به نام پولیس شاهراه، یکی به نام اردوی ملی، دیگری به نام امنیت ملی. ما نمی‌گوییم که نگیرید، بگیرید مگر همین سرک را هم جور کنید دیگه. درویرای ما که استخدام می‌شوند، قبل از شروع به کار، مراسم حلف به‌جا می‌آورند که پیش از سفر، چرس نزنند. مثلاً اگر از هرات به کابل می‌رفتند، فقط زمانی چرس می‌زنند که در کمپنی کابل باشند. یا اگر از کابل به قندهار می‌آمدند، فقط در قندهار چرس می‌زنند. مشکل از چرس نیست. من خودم هم بیست‌وپچار ساعت سه سگرتی می‌زنم و کل شار کابل را می‌گردم، تا حالی به قرآن اگر ده کون یک موتر زده باشم. مشکل از سرک است. مشکل از حکومت است. حکومت اگر می‌خواهد که دیگر مسافران در تصادم کشته نشوند، باید برای ما زمینه‌ی نکشتن آن‌ها را فراهم کنند. تا وقتی که زمینه‌ی نکشتن فراهم نشود، باور کنید خواه‌مخواه تصادم می‌شود، آدم کشته می‌شود. زخمی می‌شود. من یک بار دیگر تاکید می‌کنم که ادعای دیگران در این زمینه بی‌مورد است. چرس هیچ مشکلی ندارد. هرچند که درویرای ما هیچ‌وقت پیش از حرکت چرس نمی‌زنند، اما گاهی وقت‌ها که زده‌اند، یکی دو ساعت از بقیه زودتر به مقصد رسیده‌اند.»

در کنار مسئولین معتصب شرکت‌های مسافری، یکی از مسافران که او نیز اعتصاب کرده بود، به حکومت هشدار داد که اگر سرک‌ها را به زودترین فرصت جور نکنید، اگر مقدار اخذی را در طول راه کم نکنید، به خدای احد و واحد قسم اگر از جای خود تکان بخورم. برو دست نر و ماده‌ی تان خلاص!

وزیر ترانسپورت که برای شنیدن خواست‌ها و صدای این اعتصاب‌کننده‌گان به آن‌جا رفته بودند، همه چیز را دید و شنید و گفت: «من صدا و خواست شما را به گوش رییس‌جمهور می‌رسانم.»

اما اعتصاب‌کننده‌گان به حرف وزیر ترانسپورت توجهی نکردند و یکی از آن‌ها گفت: «بیار او بچه‌امو چیز بدخشانی ره، خوب پخته‌اش کو که گلوی ما را نسوزاند. بان که وزیر صاحب خواست ما را به رییس‌جمهور برساند و ما هم کش کرده طرف خداوند پُف کنیم. بیار که دنیا دو روز است. هله او بچه در روک پایین میز مانده بودم. بیار تو که خدا و راستی هیچ قوماندان نیستی!»

اما یک منبع که نتوانست نامش را بگیریم در این زمینه گفت: «نی مشکل سرک حل‌شدنی‌اس، نی می‌توانی مانع نشه‌کردن درویرا شوی. بهتر آن است که مسافرین هم قبل از حرکت، نشه کنند.»

آیا دولت اسلامی

در افغانستان و پاکستان آینده دارد؟

ظاهر اشاخه‌ی دولت اسلامی در آسیای جنوبی محکوم به شکست است

بخش اول

دیپلمات/داوود ختک ■ ترجمه: حمید مهدوی



زیادی از جنگ‌سالاران افغان، خود را نیروی بلامنازع در جبهه‌ی افغانستان می‌دانند. آن‌ها از رهبری ملا محمد عمر الهام گرفتند و اکنون ملا هیبت‌الله آخندزاده را خلیفه‌ی اسلام می‌دانند.

در مقابل، رهبری ولایت خراسان دولت اسلامی در سوریه و گروه‌های وابسته‌ی افغان و پاکستانی آن ابوبکر البغدادی را خلیفه می‌دانند. ولایت خراسان طالبان را محکوم می‌کند و این گروه را نماینده‌ی کشور همسایه، پاکستان، می‌داند و سیاست عدم مداخله‌ی آن در کشورهای دیگر را محکوم می‌کند. به یاد داشته باشیم که وقتی ملا اختر منصور، رهبر کشته‌شده‌ی طالبان، در نامه‌ی از ابوبکر البغدادی خواست خودش را از ولایت خراسان دولت اسلامی جدا سازد، پاسخ سخن‌گوی دولت اسلامی خیره‌کننده بود. این سخن‌گوی مستقر در سوریه طالبان افغانستان را ابزار در دستان سازمان‌های استخباراتی خارجی خواند و گفت که آن‌ها از راه راست منحرف شده‌اند.

از آن زمان تاکنون، طالبان حملات تهاجمی را علیه حامیان ولایت خراسان راه‌اندازی کرده‌اند و وقتی آن‌ها به‌عنوان یک گروه ظاهر می‌شوند، آن‌ها را تعقیب می‌کنند. نخستین اقدام آن‌ها علیه ولایت خراسان در ولایت جنوبی هلمند، در سنگر مستحکم طالبان، بود. سپس طالبان افراد وابسته به ولایت خراسان را در ولایت غربی فراه تعقیب کردند، به‌دنبال آن طالبان علیه شبه‌نظامیان آسیای‌میانه وابسته‌ی جنبش اسلامی ازبکستان اقدام گسترده کرد، شبه‌نظامیانی که به ولایت خراسان ملحق شده بودند تا برای خانواده‌هایشان جایی برای زندگی بیابند. این شبه‌نظامیان آسیای‌میانه به‌دنبال عملیات ضرب عزم توسط نیروهای امنیتی پاکستان در ماه جون ۲۰۱۴ به افغانستان نقل مکان کرده‌اند.

در ننگرهار، طالبان، پس از آن‌که ابتدا در بیرون راندن جنگجویان ولایت خراسان از چندین ولسوالی ناکام ماندند، حملات تهاجمی راه‌اندازی کردند و سرانجام کنترل حداقل پنج ولسوالی را به‌دست آوردند. ولایت خراسان هنوز در سه ولسوالی اچین، نازیان و کوت ولایت ننگرهار حضور دارد.

ادامه دارد...

به پیوستن به این گروه را دارند، سرپرستی و مواظبت کند. تحریک طالبان پاکستان که زمانی یک تحریک مخوف بود، به‌زودی به‌دنبال از دست دادن رهبران کلیدی‌اش مانند بیت‌الله محسود و حکیم‌الله محسود در حملات هوایماهای بدون سرنشین به ترتیب در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ از هم پاشید.

در اواخر سال ۲۰۱۵، دولت اسلامی در حداقل هشت ولسوالی ولایت ننگرهار حضور مشهود داشت. صرف یک سال بعد، حوزه‌ی نفوذ آن اکنون به سه ولسوالی اچین، کوت و نازیان در ولایت ننگرهار و حمایت محدود در ولایت شرقی و کوهستانی کتر محدود می‌شود. طالبان افغانستان تا زمانی که ملا عمر، به‌اصطلاح امیرالمومنین آن، زنده بود، متحد ماندند. شکاف‌ها در طولانی‌ترین ستیزه‌جویی جهان، به‌زودی پس از اعلان مرگ عمر و صعود یک مرد به‌عنوان جانشین او، برای نخستین‌بار آشکار شد.

رقیبان قوی

در حالی که ارتش قوی پاکستان تقریباً ستیزه‌جویان «ناخواسته» را از مناطق قبایلی‌اش که متشکل از هفت منطقه (وزیرستان شمالی و جنوبی، کرم، اوراکزی، خیبر، مهند و باجور) است، از بین برده است، اکثریت آن‌هایی که زنده فرار کرده‌اند اکنون در شرق افغانستان در دره‌ها و ولسوالی‌هایی که در آنجا اقتدار حکومت افغانستان ضعیف است، پناه برده‌اند. ریاست امنیت ملی افغانستان ابتدا از برخی از این ستیزه‌جویان که اکثراً از مناطق قبایلی خیبر و اوراکزی پاکستان هستند، استقبال کرد تا با حمایت پاکستان از شبکه‌ی حقانی و طالبان افغانستان مقابله کند. اما این اقدام نتایج معکوس داشت چون بسیاری از این ستیزه‌جویان پس از ظهور ولایت خراسان دولت اسلامی به‌زودی به این گروه پیوست.

تا این‌جای کار طرف پاکستانی مرز، بسیار امن است و ولایت خراسان احتمالاً قادر نیست در آنجا حضور مشهود داشته باشد. با این حال، این گروه هنوز مناطقی در ولسوالی‌هایی چون اچین، نازیان و کوت در شرق افغانستان را در کنترلش دارد. اما مانع اصلی رشد آن در این بخش از افغانستان رقیب قوی آن، طالبان افغانستان، است. طالبان، براساس افتخاراتشان در برابر تعداد

در سه ماه آخر سال جاری شاهد چند حمله‌ی بزرگ محدود توسط گروه‌های وابسته به دولت اسلامی در افغانستان و پاکستان بوده‌ایم؛ حملاتی که مایه‌ی شگفتی بسیاری‌ها در مورد توانایی، قابلیت‌ها و چشم‌انداز آینده‌ی این گروه در این منطقه شد. هدف حمله‌ی در ماه اکتوبر ۲۰۱۶ یک اکادمی آموزش پولیس در حومه‌های کویت، مرکز ایالت فقیر بلوچستان پاکستان، بود. در حمله‌ی دیگری در ماه نوامبر، یک بمب‌گذار انتحاری خودش را وسط نمازگزاران در یک زیارتگاه صوفیان در هب، منطقه‌ی دورافتاده‌ی در همین ایالت، منفجر ساخت. هر روزه گزارش‌هایی از تصرف یک روستا و کشتن یک مقام توسط داعش یا کشته شدن سربازهای این گروه در جنگ با نیروهای افغانستان یا هدف قرار گرفتن آن‌ها توسط هوایماهای بدون سرنشین در این منطقه می‌بینیم. پرسش کلیدی این است که آیا داعش می‌تواند در آینده نزدیک در منطقه‌ی افغانستان و پاکستان حضورش را دوامدار بسازد؟ با مد نظر گرفتن چند عامل کلیدی می‌توان به نتیجه‌ی منطقی دست یافت.

رهبری

از زمان ظهور ولایت خراسان دولت اسلامی در ماه جنوری ۲۰۱۵، تقریباً تمام اعضای ارشد بنیان‌گذار آن یا در جنگ با نیروهای افغان و بین‌المللی یا در نتیجه‌ی حملات هوایماهای بدون سرنشین امریکایی کشته شده‌اند. حفیظ سعیدخان، رهبر سابق ناراضی تحریک طالبان پاکستان؛ ملا رثوف خادم، یکی از رهبران بانفوذ طالبان افغانستان؛ شهادالله شاهد، سخن‌گوی پیشین تحریک طالبان پاکستان و یک فرد ارتباطی کلیدی بین ولایت خراسان دولت اسلامی و رهبری دولت اسلامی مستقر در سوریه؛ گل‌زمان فتیح، یکی از رهبران پیشین تحریک طالبان پاکستان و معاون حفیظ سعید خان □ همه، پس از بنیان‌گذاری این گروه در حملات هوایماهای بدون سرنشین و عملیات‌های نظامی کشته شدند.

باوجود ابزارهای تبلیغاتی و کمپاین قوی و تاحدودی موثر این گروه در شرق افغانستان و بخش‌هایی از مناطق قبایلی پاکستان، رهبر کاریزماتیکی باقی نمانده است که از سربازهای تازه‌استخدام‌شده یا آن‌هایی که علاقمندی

مهندسی نهادهای دموکراتیک در افغانستان

■ قدرت‌الله احمدی

دموکراتیزاسیون در بسیاری از کشورها منجر به ظهور مشکلات زیاد گردیده است. با آغاز موج سوم دموکراسی در دهه ۱۹۷۰م، مطالبات گسترده‌تری در جهت دموکراتیک‌سازی نظام‌های سیاسی در کشورهای مختلف شکل گرفت. این مطالبات، در برخی کشورها منجر به سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا گردید و نظم سنتی و اقتدارگرایانه در بعضی از آنان را از بین برد. اما در شمار قابل توجهی از این کشورها، پس از سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا ثبات سیاسی شکل نگرفت و این کشورها در روند گذار به سمت دموکراسی با چالش‌های جدی مواجه شدند. اکثر کشورهایی که با این مشکلات مواجه شدند، جوامعی به‌لحاظ ساختاری نامتجانس بودند و تکثر گروه‌های مختلف قومی و مذهبی، در آن مشاهده می‌شدند.

دموکراسی خواهی در این جوامع، زمینه را برای تصادم گروه‌های قومی و مذهبی فراهم آورد. تلاش برای حضور در قدرت و سهم‌گیری در مناسبات سیاسی، شکاف‌ها میان بخش‌های مختلف جامعه را تشدید کرد و در بسیاری از کشورها به منازعات خونین و طولانی‌مدتی انجامید. براساس آمارهای موجود، طی نزدیک به نیم قرن اخیر شمار جنگ‌های داخلی و خسارات ناشی از آن به‌مراتب بیشتر از جنگ‌های برون‌کشوری بوده است. بخش عمده‌ی جنگ‌های داخلی هم به‌دلیل ظهور مطالبات و خواسته‌های سیاسی در جوامع نامتجانس اتفاق افتاده است.

افغانستان نیز به‌دلیل ساختار اجتماعی نامتجانس خود، یک دوره‌ی طولانی بی‌ثباتی‌های سیاسی را تجربه کرده است. تلاش برای دموکراتیک‌سازی نظام در افغانستان همواره به شکست انجامیده است. هرچند افغانستان مرحله‌ی سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا را موفقانه پشت سر گذاشته است، اما روند گذار به دموکراسی و تحقق آن در جامعه، هرگز اتفاق نیافتاده است. با آغاز دوره‌ی پسا طالبان و شکل‌گیری نظام جدید انتظار می‌رفت افغانستان فصل جدید ثبات سیاسی را تجربه کند و این فرایند در نهایت به تحکیم دموکراسی منجر شود. اما این اتفاق نیافتاد و شرایط موجود به‌دلیل شکنندگی زیاد، تردیدها در مورد استقرار دموکراسی را در کشور بیشتر کرده است.

عملکرد نظام موجود به بحث‌های متعددی در مورد تغییر ساختار نظام سیاسی در کشور دامن زده است. حلقه‌های زیاد سیاسی در کشور در پی آن‌اند تا الگوی موجود نظام سیاسی را تغییر دهند و با استفاده از الگوهای جدید، به مشکلات موجود نقطه‌ی پایان بگذارند. علی‌رغم این‌که شمار قابل توجهی از افراد و حلقه‌های سیاسی بر این ضرورت تأکید دارند، اما به نظر می‌رسد هیچ‌کدام برنامه‌ی روشن و مشخصی در این زمینه ندارند. طرح‌های موجود، خیلی محدود و گاه‌متناقض‌اند و اصلاحات پیشنهادی نمی‌توانند کل مسائل موجود در جامعه و مناسبات سیاسی در افغانستان را پوشش دهند. در این‌جا تلاش می‌شود ابتدا منطق این کار توضیح داده شود و سپس اصلاحات مورد نیاز در کشور متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی مشخص می‌شود.

منطق مهندسی نهادی در جوامع نامتجانس

شروع موج سوم دموکراسی در جهان، منازعات خونینی را در برخی از کشورهای در حال گذار رقم زد. این مساله توجه دانشمندان سیاسی را به خود جلب کرد و باعث شد پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شود. برخلاف برخی نظریات اولیه در مورد دموکراسی که معتقد بودند دموکراسی در جوامع نامتجانس اصلاً قابل تحقق نیست، نظریه‌های جدید می‌گویند که امکان تحقق دموکراسی در جوامع نامتجانس و چندقومی نیز وجود

دارد، اما برای این کار باید نهادهای دموکراتیک متناسب با شرایط و ساختارهای اجتماعی و سیاسی یک جامعه ایجاد شوند. از این نظر، وجود دموکراسی به تنهایی خود کافی نیست و برای ایجاد یک اداره‌ی کارآمد باید ساختارهای نهادی متناسب نیز شکل بگیرند. ادبیات موجود در زمینه‌ی منازعات داخلی، چهار مشکل عمده را در روند دموکراتیزاسیون در جوامع نامتجانس و چندقومی شناسایی کرده است:

۱- سلطه‌ی اکثریت

۲- شیوع رقابت‌های غیردموکراتیک میان گروه‌های سیاسی

۳- شکل‌گیری سازمان‌های قومی

۴- شکل‌گیری مطالبات تجزیه‌طلبانه

این مشکلات به‌شکل پراکنده و یا همزمان در تمامی جوامع نامتجانس وجود داشته و البته هرکدام ناشی از سیستم‌ها یا نهادهایی است که در این جوامع به‌شکل نامطلوب شکل گرفته‌اند و بنیان نظام سیاسی آن را تشکیل داده‌اند. نوع حکومت، سیستم انتخاباتی، احزاب و سیستم اداری یک کشور، متغیرهایی مستقلی‌اند که اغلب به‌عنوان منشاء مشکلات مورد توجه قرار گرفته و الگوهایی برای اصلاح این نهادها برای تحقق دموکراسی در کشورها پیشنهاد شده است.

برحسب این چهار مشکل کلی، الگوهای زیاد برای دموکراتیک‌سازی جوامع نامتجانس تاکنون ارائه شده است. در همه‌ی این مدل‌ها، روی شکل‌گیری ساختارهای نهادی متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص هر کشور برای گذار به دموکراسی، تأکید شده است. یک دیدگاه کلی در این زمینه وجود دارد و آن این‌که نهادهای دموکراتیک خوب سازمان‌یافته، می‌تواند پتانسیل منازعات را فرموله کند و آن را به‌شکل باثبات مدیریت کند. اکثر الگوها برحسب همین دیدگاه کلی ارائه شده و هریک تلاش کرده‌اند، اصلاحاتی نهادی را پیش‌نهاد کنند که امکان مدیریت منازعات را افزایش دهد و زمینه را برای تحقق دموکراسی در یک جامعه‌ی نامتجانس فراهم سازد. در شمار قابل توجهی از کشورها، این الگوها توانسته‌اند گذار به دموکراسی را سرعت بخشند و ثبات سیاسی را بر جوامع حکمفرما سازند. البته هریک از این الگوها، برحسب ویژگی‌های منحصربه‌فرد جوامع به‌کار گرفته شده‌اند و مهندسی نظام‌های سیاسی، عمدتاً برحسب شرایط داخلی مانند ساختارهای اجتماعی، شرایط اقتصادی فرهنگ سیاسی و ویژگی‌های جغرافیایی صورت گرفته است.

مساله‌ی افغانستان

افغانستان کم‌وبیش با چهار مشکل فوق‌به‌شکل همزمان مواجه می‌باشد. استبداد اکثریت، رقابت‌های غیردموکراتیک، احزاب و ساختارهای قومی به‌شکل جدی در جامعه وجود دارند. هرچند تاکنون بحث جدایی‌طلبی در کشور به گونه‌ی جدی مطرح نیست، اما ایده‌ی فدرالیسم و تمرکززدایی از ساختار موجود اداری و سیاسی، از مدت‌ها پیش در میان برخی از حلقه‌های سیاسی مطرح بوده است. با گذشت هر روز، این ایده در جامعه تقویت می‌شود و فدرالیسم هواداران بیشتری در جامعه پیدا می‌کند.

بنابراین، برای دستیابی به یک نظام باثبات سیاسی باید اقدامات جامع متناسب با مشکلات و نارسایی‌های موجود صورت گیرد. این اقدامات باید به‌شکل همزمان در سیستم حکومت، نظام انتخاباتی، چگونگی حضور احزاب سیاسی و تغییر در نظام اداری از شکل کنونی به‌شکل فدرالیسم انجام شود. در این‌جا به هریک از این موضوعات به‌شکل جداگانه پرداخته می‌شود و در مورد هریک از اصلاحات پیشنهادی مورد ضرورت استدلال می‌شود.

سیستم حکومت

دو الگوی رایج حکومت در کشورهای دموکراتیک جهان وجود دارد: ریاستی و پارلمانی. سیستم ریاستی معمولاً در کشورهایی که از تجانس بیشتر برخوردار باشد، می‌تواند حکومت‌های مقتدر و کارآمد را تشکیل دهد. اما شواهد زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند این سیستم در جوامع نامتجانس و چندقومی نمی‌تواند نتیجه‌ی مثبتی را در پی داشته باشد. از یک‌طرف سیستم ریاستی می‌تواند باعث غلبه‌ی اکثریت شود و گروه‌های کوچک‌تر را از دایره‌ی قدرت خارج سازد. از طرف دیگر، در جوامع چندحزبی سیستم ریاستی به‌دلیل عدم برخوردارگی از حمایت قانون‌گذاران و دشواری تشکیل ائتلاف‌های سیاسی، نمی‌تواند حکومت باثبات و کارآمد را به‌وجود آورد. مانورینگ اسکات نشان داده است که دموکراسی‌های ریاستی چندحزبی، امکان ثبات دموکراسی در جوامع چندقومی را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌سازد.

تجربه‌ی دموکراسی‌های تک‌حزبی نشان می‌دهند که سیستم پارلمانی می‌تواند در جوامع چندقومی بهتر عمل کند. چرا؟ برای این‌که یک پارلمان رقابتی و چندحزبی می‌تواند امکان حضور متناسب گروه‌های قومی و اجتماعی را در مهم‌ترین کانون قدرت فراهم سازد. چنین موجودیتی در نهایت می‌تواند سیاست‌های معتدل مبتنی بر منافع همگانی را تشویق کند و زمینه‌ی تشکیل ائتلاف‌های معتدل را فراهم آورد.

سیستم ریاستی در افغانستان نیز یک تجربه‌ی ناکام بوده است. این سیستم از یک‌طرف بخش عمده‌ی از گروه‌های قومی و نیروهای سیاسی را از مراکز اصلی قدرت به حاشیه رانده است، از طرف دیگر نتوانسته است یک اداره‌ی مقتدر و کارآمد ایجاد کند. وجود احزاب متعدد و شرایط سخت برای ایجاد ائتلاف‌های سیاسی، همواره رابطه‌ی پرتنش را میان حکومت و پارلمان و میان حکومت و نیروهای اجتماعی و احزاب سیاسی خلق کرده است. این تنش‌ها، در بسا موارد قدرت و توان حکومت را به تحلیل برده و آن را به یک دستگاه مفلوک و درمانده تقلیل داده است.

بنابراین، تغییر سیستم حکومت از ریاستی به پارلمانی چندحزبی و رقابتی در کشور، می‌تواند بخشی از نارضایتی‌های موجود را کاهش دهد و با فراهم‌سازی زمینه‌های حضور تمامی گروه‌های قومی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، دولت را به سوی سیاست‌گذاری‌های معتدل و معقول هدایت کند.

سیستم چندحزبی

اکثر ادبیات مربوط به منازعات قومی و دموکراتیزاسیون در کشورهای نامتجانس، بر یک سیستم چندحزبی تأکید دارند. سیستم چندحزبی می‌تواند از سلطه‌ی اکثریت در جامعه جلوگیری کند و به توزیع عادلانه‌ی قدرت کمک کند. بسیاری از اقلیت‌هایی که در سیستم دوحزبی ممکن است نتوانند خود را وارد عرصه‌ی قدرت سازند، در سیستم چندحزبی این فرصت را به‌دست می‌آورند.

افغانستان از این جهت در وضع بهتری قرار دارد. سیستم چندحزبی از آغاز تشکیل نظام موجود به رسمیت شناخته شد و این امر فرصت‌های زیادی را برای مشارکت گروه‌های مختلف در ساختار قدرت فراهم آورد. اما مشکل احزاب موجود این است که تماماً حول محورهای قومیت، مذهب و سمت بنا یافته‌اند و هیچ حزب سیاسی فراگیر در کشور شکل نگرفته است. این امر اگر از یک‌طرف زمینه را برای مشارکت گروه‌های مختلف فراهم آورده است، از طرف دیگر به تشدید شکاف‌ها در جامعه دامن زده است.

این وضعیت ریشه در سیستم انتخاباتی کشور دارد که

نتوانسته است جایگاه احزاب را به گونه‌ی درست روشن سازد. نظام انتخاباتی موجود، اساساً مشوق شکل‌گیری احزاب فراگیر در کشور نیست و بیش از آن، احزاب را در خطوط مشخص قومی و سمتی سوق داده است. این سیستم انتخاباتی، شکاف‌های اجتماعی را تقویت کرده، سیاست را قومی و در نهایت به رقابت‌های غیر دموکراتیک در جامعه دامن زده است.

سیستم چندحزبی موجود به‌تنهایی کافی نیست، بلکه سازوکارهای انتخاباتی باید هم زمینه‌ی رقابت بین احزاب را در سطح ملی فراهم آورد و هم احزاب محلی را تشویق کند که بتوانند امکان نمایندگی اقلیت‌ها را در پارلمان فراهم آورند. این کار تنها زمانی ممکن است که سهم احزاب در پارلمان مشخص شود و می‌کانونیزم مشخص برای انتخاب اعضای احزاب کلان در سطح ملی و احزاب کوچک‌تر در سطح محلی سنجیده شود. این موضوع در بحث اصلاح نظام انتخاباتی بیشتر شکافته می‌شود.

سیستم انتخاباتی

زمان نقش سیستم‌های انتخاباتی را در تحکیم دموکراسی در جوامع به‌خصوص در جوامع نامتجانس ثابت ساخته است. کشورها الگوهای مختلف سیستم‌های انتخاباتی را به‌کار می‌گیرند: سیستم‌های انتخاباتی اکثریتی، سیستم‌های انتخاباتی تناسبی و سیستم‌های انتخاباتی ترکیبی. هریک از این سیستم‌ها برحسب ویژگی‌های جوامع به‌کار گرفته می‌شوند.

مزیت هریک از سیستم‌های فوق‌به‌طور نسبی قابل ارزیابی است و پرداختن به هریک از آن‌ها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.

فراگیری و شمولیت یک سیستم چندحزبی وابسته به سیستم انتخاباتی می‌باشد. نظام انتخاباتی باید زمینه را برای شمولیت همه‌ی احزاب و جریان‌ها در روند سیاسی فراهم آورد، در غیر آن محرومیت برخی احزاب باعث می‌شود آنان از مجاری غیردموکراتیک برای دستیابی به قدرت اقدام کنند. نظام اکثریتی اغلباً قدرت قانون‌گذاری گروه برنده را تحکیم می‌بخشد و جریان‌های دیگر را از این دایره خارج می‌کند. نظام تناسبی اما امکان مشارکت متناسب همه‌ی گروه‌ها و احزاب را فراهم می‌آورد، در حالی‌که ممکن است یکپارچگی و ثبات را در درون نظام به چالش بکشد.

ادبیات اخیر در این زمینه اغلباً پیشنهاد می‌کنند در جوامع نامتجانس ترکیبی از هر دو سیستم فوق باید مورد استفاده قرار گیرد. نظام تناسبی می‌تواند مشارکت همه‌ی گروه‌ها را تضمین کند و در سطح بالاتر سیستم اکثریتی به تشکیل حکومت‌های باثبات و همچنین شکل‌گیری احزاب ملی کمک می‌کند.

برای افغانستان یک سیستم انتخاباتی ترکیبی می‌تواند یک روند مناسب را به‌وجود آورد. در این سیستم مردم نمایندگان خود را در دو سطح انتخاب می‌کنند: سطح محلی و سطح ملی. در سطح محلی، کشور به حوزه‌های مختلف تک‌نماینده‌ی تقسیم می‌شود و مردم نمایندگان خود را در حوزه‌ی مربوطه‌شان انتخاب می‌کنند. در سطح ملی کل کشور عمدتاً یک حوزه‌ی رای‌گیری شناخته می‌شود و مردم به نمایندگانی که از سوی احزاب معرفی می‌شوند، رای می‌دهند. انتخاب نمایندگان در سطح محلی می‌تواند مساله‌ی عدم مشارکت در سیستم اکثریتی را رفع کند و انتخاب نمایندگان احزاب در سطح ملی می‌تواند به شکل‌گیری جریان‌های ملی و غلبه بر محلی‌گرایی کمک کند و زمینه را برای اجماع نمایندگان روی برنامه‌های معتدل ملی فراهم آورد. البته این سیستم در شرایط کنونی با برخی چالش‌های جدی مواجه می‌باشد. پیچیدگی این سیستم و همچنین وضعیت... ادامه در صفحه ۵

وحدت فرهنگی دو سیاست متنافر

ستار ثابت

چهلک

سخن‌سازان

تو هم درست می‌گویی!

لازم نیست حتما همین چیزی که حالا من قصد دارم بگویم برای شما هم رخ داده باشد. اما مایه ماجرا یکی است. ما معلمی داشتیم که اگر حرف غلطی هم می‌زد، حاضر نبود از آن حرف غلط خود دست بردارد. با دلیل و گواه ساده که هیچ. با سند و شاهد مسلم هم حاضر نبود یک سانتی‌متر عقب‌نشینی کند. مثلاً این معلم می‌گفت که امریکا در جنگ دوم جهانی، در سال ۱۳۴۵ شمسی، شکست سختی خورد. اگر شاگردی می‌گفت معلم صاحب امریکا در آن جنگ شکست نخورد و شکست سخت هم نخورد، این دیالوگ شروع می‌شد:

معلم: نه نه، اول امریکا شکست خورد. بعد، البته بعضی مورخین می‌گویند که این جنگ از بعضی نظرها شکست امریکا را در خود نداشت...

شاگرد: معلم صاحب، امریکا اول هم شکست نخورد.

معلم: شکست تنها این نیست که آدم در صحنه نظامی شکست بخورد. امریکا از نظره‌های دیگر شکست سختی خورد.

شاگرد: معلم صاحب، ولی جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۴۵ شمسی نبود.

معلم: بود بود، در سال ۱۳۴۵ شمسی بود. شما در آنوقت به دنیا نیامده بودید.

شاگرد: معلم صاحب، من در کتاب خواندم که جنگ دوم جهانی در ۱۹۴۵ میلادی...

معلم: تو هم درست می‌گویی.

شاگرد: معلم صاحب...

معلم: آفرین، تو هم درست می‌گویی. گوش کن من چه می‌گویم.

شاگرد بیچاره نمی‌توانست بگوید «معلم صاحب، من هم درست نمی‌گویم. فقط من درست می‌گویم».

معلم ما با جمله‌ی «تو هم درست می‌گویی»، به ما می‌فهماند که خودش درست می‌گوید، اما حرف شاگرد هم بدک نیست.

حال، این عادت ملی ماست. امکان ندارد تمام جهان بسیج شود و پیش چشم ما گواهی تجربی و علمی و تاریخی و میدانی بگذارد و ما از حرفی که گفته‌ایم عبور کنیم. حداکثر می‌گوییم شما هم درست می‌گویید! در چنین سرزمینی و در میان چنین ملت سرفرازی، شما بروید و نتیجه‌ی تحقیق و آزمایش بیاورید یا شواهد و گواهی عرضه کنید. فایده ندارد.

اگر ما تصمیم گرفته باشیم که فکر کنیم آفتاب سیاه است، شما می‌توانید آفتاب را ۸۹۰ میلیارد کیلومتر نزدیک‌تر بیاورید و باز به ما نشانش بدهید. ما از حرف خود نخواهیم گذشت. البته اگر در آن حالت شما بگویید «آفتاب سیاه نیست»، ممکن است ما بگوییم: شما هم درست می‌گویید!

توجه به گذشته و تأمل بر ارزش‌های ادبی و فرهنگی قدیم، در عرصه‌ی مطالعات ادبی و فرهنگی امری است آشنا و معمول. منتها روشن است که این مطالعات، به هدف خاصی صورت می‌گیرد: یاری گرفتن از دریافته‌ها و ره‌یافته‌ها برای درک بهتر منشاء و خاستگاه‌های رویدادهای ادبی، فرهنگی و هنری و به‌کار بستن آن‌ها از مسیر بازتولیدشان، در راستای غنا و خردمندی بیشتر ادبیات و فرهنگ پیش‌رونده و متجدد. با این حساب، می‌بینیم که گذشته نه صرف به‌خاطر خود گذشته و تولید توهم فزاینده برای آدم‌ها، بلکه برای بهتر شدن آینده مورد مطالعه و تأمل و احیا قرار می‌گیرد. درست است که تمدن بشری، در طی زمان‌های مختلف، قادر به خلق آثار و اسنادی شده است که نمونه‌های کم‌تر آن‌ها را در میان تولیدات فرهنگ و ادبی زمان حاضر می‌توان یافت، قدر مسلم اما این است که همه‌ی این آثار و اسناد، محصول عقل تاریخ‌مند و زمان‌بردار انسان‌هاست. بدین‌معنا که آثار هنری و ادبی مطابق تحولی که در حوزه‌ی معرفتی رخ می‌دهد تولید می‌شوند و الزاماً نمی‌توانند خارج از مختصات زمان و مکان بایستند. بنابراین، در بررسی و احیاء تلاش برای احیای تمدن و فرهنگ و ادب فارسی، این نکته باید به‌مثابه‌ی راهنما و جهت‌دهنده‌ی عمل به کار گرفته شود که چه مقدار از عناصر فرهنگی و ادبی آن تمدن را می‌توان در کدام زمینه‌ی ادب و فرهنگ حاضر برای غنایماندی و پربار شدن آن استفاده کرد. ورنه نیش‌قبر و مرده‌پرستی، هیچ نیکی و افتخار و ارزشی ندارد. لذا، در تلاش‌های پراکنده‌ی که هرازگاهی میان فارسی‌زبان‌ها صورت می‌گیرد، از آدرس‌های رسمی و سیاسی یا آدرس‌های مستقل و خاص فرهنگی، نباید یکسره دچار حس کور ناسیونالیستی شد که نمونه‌های آن در میان نویسندگان و شاعران گذشته‌گرای فارسی در این چند سال پسین کم نیست، و نیز از خود باید پرسید که امروزه که پس از سده‌ها پریشانی و گم‌گشتگی، می‌خواهیم از «ایران بزرگ» و احیای آن حرف بزنیم که چه بشود؟ دستاوردش در هم‌سویی با عقلانیت مدرن چیست؟

«افغانی» را، نهاده نمی‌شود. دغدغه‌ی این همسویی‌ها بر محوریت زبان فارسی و پیشینه‌ی تاریخی مشترک و کشور فرهنگی «خراسان» یا «ایران بزرگ»، احیای این ارزش‌های فرهنگی و تاریخی است. این‌که آیا اساساً چنین چیزی پس از مدت‌های درازدامن دوری و فاصله‌گیری ممکن است یا در صورت امکان، چه نتیجه‌ی مثبت و واقعا ارزش‌مندی بر آن مترتب است، می‌تواند جای بحث داشته باشد. نیز این‌که نسبت آن‌چه که امروز از زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایران بزرگ بر جا مانده و نسبت این بسته با منشا چگونه است و آیا به‌راستی می‌توان بر اساس ارزش‌ها و داشته‌های فرهنگی و ادبی امروز که بیشتر از آن‌که دارای یک ماهیت خاص ناسیونالیستی باشد متأثر از رخدادهای فرهنگی و ادبی اروپا و غرب است و به‌شدت سیال و فرار، دست به احیای ارزش‌ها و یا گنجینه‌های برادررفته‌ی زده که قدمت آن‌ها به پیش از چند سده برمی‌گردد و احیاناً در صورت وجود چنین امکانی، آیا عقلانی است که خرد تاریخ‌مند و منطقاً توسعه‌یافته و ارزش‌ها و امکان‌های عقلانی‌تر امروز را به پای موضوعات به‌شدت مبهم و وهم‌زده و بدوی دو هزار سال قبل قربانی کرد؟

فرا تر از این حرف‌ها اما، رویکرد منطقی‌تر نسبت به این اتفاق‌ها و رویدادها شاید این باشد که ببینیم عواملی که برای رشد و اعتلای سطح یک فرهنگ، غنای زبان نظر به نیازمندی‌های روز و گسترش حوزه‌ی معرفتی و ادای سهم یک فرهنگ و زبان در پیشرفت فرهنگ بشری در کلیت سهم‌اند، چقدر در این رویدادها موجوداند. بدین‌معنا که بررسی شود جایگاه و موضوعیت این رویدادها نظر به اقتضای شرایط و زمان و موقعیت و ایجابیت فرهنگ و ادبیات جهانی چیست و آیا کارکردی ارزش‌مند و اساسی برای غنایماندی و گسترش ظرفیت فرهنگ و زبان فارسی معطوف به نیازمندی‌ها و استلزامات انسان امروزی می‌تواند در آن‌ها دید یا خیر. اوهام نوستالژیک و حسرت داشته‌های ظاهراً برادررفته اما در واقع موهوم و نامعلوم چند هزاره قبل را خوردن، برای فرهنگ و ادبیات معاصر و حداقل‌های منطق و معرفت انسان امروزی، کاری از پیش نمی‌برد.

مهندسی نهادهای دموکراتیک...

نامتجانس، برای مدیریت منازعات قومی نظام فدرال را به‌کار گرفته‌اند. البته الگوهای متفاوتی برحسب روابط قدرت میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی وجود دارند. برخی از الگوها، اختیارات گسترده‌ی به حکومت‌های محلی داده‌اند، در حالی که برخی دیگر اختیارات کمتری به آنان داده‌اند. برای مدیریت منازعات قومی در افغانستان، نظام سیاسی غیرمتمرکز می‌تواند موثر واقع شود. این تمرکززدایی تنها با ایجاد نظام فدرال ممکن است. البته تمرکززدایی گسترده شاید نتیجه‌ی مطلوب نداشته باشد، بلکه ایجاد نظام فدرال با کنترل نسبی حکومت مرکزی بر حکومت‌های محلی برای جلوگیری از تشدید شکاف‌ها موثر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در حالی‌که بحث اصلاحات در ساختارهای نظام در

رابطه‌ی سیاسی ایران با افغانستان علی‌رغم نزدیکی‌هایی که طی سال جاری به‌ویژه میان دو کشور رونما گردیده، کماکان مبتنی بر شک و تردید و بدنگری است. در سال‌های اخیر، این خیر که کشور ایران با طالبان افغان رابطه‌ی دیرینه دارد و اخیراً این رابطه تشدید یافته، همواره وجود داشته است. اوج این بدگمانی‌ها نسبت به نیت سوء ایران در رابطه با افغانستان، سال جاری بود. امسال در عین این‌که ایران همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ی بیشتری از سال‌های قبل با افغانستان داشت، بیشتر از همیشه نیز در مظان اتهام قرار گرفته است. مواردی رخ داده که اگر نه به‌شکل عیان و صریح، دست‌کم نشانه‌هایی از هم‌سویی ایران با طالبان در رخدادهای واقع شده در افغانستان و یا دست‌داشتن آن کشور در گسترش وضعیتی که امنیت افغانستان را تهدید می‌کند، را با خود دارد.

در کنار این مسایل اما، همکاری‌های فرهنگی این دو کشور به پشتوانه‌ی گذشته‌ی تاریخی و فرهنگی مشترک، افزایش مورد تأملی داشته است. نوعیت این همکاری‌ها عمدتاً، دو گونه است. یکی که باز هم بیشتر از همکاری خاص فرهنگی، جنبه‌ی سیاسی آن برجسته است و می‌توان این امر را در ماهیت و کارکرد این همکاری‌ها به‌روشنی مشاهده کرد، مبتنی بر رسمیات و رابطه‌ی دیپلماتیک میان دو کشور است. این گونه از همکاری‌های ظاهراً فرهنگی که بیشتر از آدرس‌ها و نهادهای رسمی و حکومتی صورت می‌گیرد، اغلب معطوف به مسایل و موضوعات زودگذر و موردی است که نظر به موضع‌گیری سیاسی دو دولت نسبت به همدیگر در شرایط مختلف انتخاب می‌شود و کارکرد گذرا و مقطعی دارد. نوع دیگری از همکاری‌های فرهنگی که می‌توان آن را همکاری خالص فرهنگی به‌منظور دست‌یافتن به اهداف فرهنگی خواند، فارغ از دخالت‌ورزی‌های سیاسی و حکومتی، میان نویسندگان و ادیبان دو کشور صورت می‌گیرد که در چنین حالتی، اساساً حرف از موارد و رخدادهای خیلی مقطعی نیست و حتا وقع زیادی به مرزهای سیاسی که باعث می‌شود ادیبی عنوان «ایرانی» را به‌خود بگیرد و شاعری عنوان

...ادامه از صفحه ۴

مالی نامناسب دولت، عدم سرشماری دقیق جمعیت، ساختارهای اداری و تعیین حوزه‌های رأی‌تک‌نمایندگی از مشکلات این سیستم به‌شمار می‌رود. با این حال، برای ایجاد یک نظام کارآمد، رقابتی، فراگیر و با ثبات چاره‌ی جز ایجاد اصلاحات لازم در ساختارهای نظام به‌خصوص نظام انتخاباتی کشور وجود ندارد.

فدرالیسم

جوایع نامتجانس، اغلباً به‌دلیل مطالبات هویتی با مشکل عدم اتحاد مواجه می‌باشند. این مساله در افغانستان نیز وجود دارد. یکی از پاسخ‌های مناسب به این مساله، ایجاد یک نظام فدرال می‌باشد. از نظر لیچفارت، فدرالیسم به‌مثابه‌ی ضمانتی برای تقسیم قدرت میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی است. بسیاری از دموکراسی‌های پایدار در جوامع

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaaz Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

dailyetilaatroz@gmail.com ایمیل:

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.



بگو مگو facebook



Khadim Hussain Karimi

شمال یا میثاق‌های حقوق بشری؛ کدام یک را قربانی کنیم؟

رهبران سیاسی هزاره، توان ایستادگی در برابر استراتژی ارگ مبنی بر رجعت دوباره به حاکمیت تک قومی و استیلای هژمونی پشتونی بر کشور را ندارند. کریم خلیلی و صادق مدبر، به حاشیه رفته اند که اگر در متن باشند هم توفیر چندانی ندارد. استاد سرور دانش که سیاستمداری معتدل و معتقد به ارزش های نو فارغ از روش های خشونت آمیز سهامداری قدرت سیاسی در افغانستان است، به راحتی دور زده می شود/ شده است. محمد محقق انگار سوگند خورده است که به هیچ قیمتی -حتا به قیمت توهین و تحقیر پایگاه اجتماعی و رأی سیاسی اش- شراکت در دسترخوان حکومت را از دست ندهد. جنبش روشنایی دستکم اکنون، فاقد مرجعیت سیاسی تأثیرگذار بر سازه ها و مناسبات سیاسی معمول افغانستان است که فعلاً بتواند درگیر مسایل بزرگ کشوری شود. مادامی که سران جنبش روشنایی بر مدنی بودن مادام العمر ماهیت این جنبش اصرار کنند، نمی تواند از میدانی که اکنون برای ساحة ی بازی و تأثیرگذاری اش بر مناسبات سیاسی کشور تعریف کرده است، فراتر برود. عظامحمد نور و قریب به کل رهبران تاجیک، با ارگ به توافق رسیده اند. توافقی که شاید به ظاهر، توافق برد-بربرد برای هر دو طرف باشد اما گمان می کنم پس از خارج کردن دگر حریفان از عرصه، به حاشیه راندن تاجیکان پلان دوم و اصلی سیاستمداران پشتون باشد. هرچند به ظاهر، دستگاه تبلیغی عظامحمد نور از تارگیت شدن جنرال دوستم در رادار حذف ارگ، خوشحال اند که بزرگ ترین رقیب عظامحمد نور در شمال در آستانه ی سرکوب قرار گرفته است اما تاریخ دیرسال گلاویز شدن ارگ پشتون گرا با جبهات سیاسی غیرپشتون نشان داده است که حاکمیت تک قومی، همیشه شکارهای بزرگ و قدرش را با تطمیع و توافق برای آخر نگه می داشته است. نوبت آخرین قطعا مال جبهات سیاسی تاجیکان است اگرچه فعلاً طرف توافق برد-بربرد و ظاهراً سخاوتمندانه ی ارگ قرار گرفته اند. اکنون، نوبت به جنرال دوستم رسیده است. فکر می کنم خالی کردن شمال از دو مرجع سیاسی-مردمی قدرتمند برای عملی کردن استیلای حداکثری بر افغانستان، استراتژی اصلی ارگ برای برقراری استیلای به کل تک قومی در افغانستان باشد. پس از توافق با عطا محمد نور، جنرال دوستم، مانع بزرگی بر سر عملی شدن این استراتژی درآمدت است. واقعیت این است که جنرال دوستم-فارغ از تمام ادعاها و اتهام های درست یا نادرستی که بر او وارد می شود- در رادار حذف ارگ قرار گرفته است. رفتارهای این چنینی از جنرال-که اتهامش بر او وارد شده است-بعید نیست. او، مثل خیلی از رهبران سیاسی سنتی افغانستان-در شکل و شمایل منحصر به فرد خودش- متهم به سرکوب مخالفین، تکروری و تیکه داری سیاست قومی ست. با این وصف، با توجه به دادخواهی که به آدرس نهادهای مدنی و حقوق بشری در حمایت از احمد ایشچی-اگر اتهام ضرب و شتم و تجاوز جنرال دوستم و محافظانش بر او راست باشد-و سایر قربانیان جنرال دوستم و دگر رهبران سیاسی نا آشنا به حقوق مدنی آدم ها، واجب آمده است و حساسیت بعد سیاسی این اتهام به عنوان مقدمه ای برای حذف سیاسی جنرال دوستم از صف موانع ارگ برای اجرایی کردن استراتژی استیلای حاکمیت تک قومی بر کشور و سقوط دادن شمال به کام بی خانمانی و ناامنی های احتمالی پس از استقرار طالب و داعش، در این میانه تکلیف چیست؟ باورهای مدنی مان -ولو به قیمت فروریختن بزرگ ترین جبهه ی ضد طالب و داعش و حاکمیت تک قومی در روزگار اکنون و انداختن شمال به کام ناامنی و ویرانی- را اولویت دهیم و بر دادخواهی یا بفشاریم یا ملاحظیات سیاسی را در نظر بگیریم و آرمان ها و اعتقادات به پاگیری ارزش های مدنی مان را قربانی کنیم؟ دقیقاً از همین جا، در صورتی که اولویت، ملاحظیات کلان سیاسی باشد، باور و نگاه سیاسی آدم های این مملکت به مسایل شکل می گیرد و این جاست که بسیاری از کسانی که با سابقه و کارنامه ی رفتار و رویکرد مدنی و بی طرفانه به مسایل می شناسیم شان، اکنون سیاستمداران جوانی شده اند که غالباً از طرف ما به محافظه کاری و سیاسی اندیشی و خیانت با آرمان های مدنی و مبارزات روشنفکرانه متهم می شوند. در جغرافیایی که پافشاری روی یک دادخواهی حقوقی و مدنی ممکن است به قیمت فروپاشی قدرتمندترین جبهه ی ضدطالب و استیلای تک قومی که بزرگ ترین چالش افغانستان برای دستیابی به یک حاکمیت متکثر و روادارانه است، بینجامد، تکلیف چیست؟ میثاق با دادخواهی برای حقوق بشری و مدنی افراد را بشکنیم یا شمال را قربانی کنیم؟ خطا نیست اگر بگوییم در این بازی بزرگ ارگ برای براندازی جبهات مقاومت در برابر استیلای تک قومی، یکسو، سقوط دادن شمال به کام ناامنی و حضور داعش و طالب و سوی دگر تعهد به موردی از میثاق های مدنی و حقوق بشری قرار گرفته است. از ظواهر پیچیدگی بازی های سیاسی و امکانات تبلیغی و اجرایی که در اختیار حکومت قرار دارد، پیداست که در این میانه یکی را باید قربانی کنیم. فکر می کنم در بزنگاه حساس، غلط انداز و مهمی قرار گرفته ایم. اصرار بر رویکرد و نگاه مدنی و عدل خواهانه به مسایل یا اولویت دادن به مصالح و ملاحظیات کلان سیاسی؟

بازداشت دو برادر به اتهام تلاش برای حمله به یک مرکز خرید در آلمان

انگشت این جوان تونسوی روی در کامیون کشف شده است. روزنامه‌ی نیویورک تایمز می‌گوید انیس عامری در فهرست پرواز ممنوع امریکا قرار داشته و دست‌کم یک بار با عضوی از گروهی موسوم به دولت اسلامی (داعش) از طریق شبکه‌ی تلگرام تماس گرفته است. بنا به این گزارش، او در اینترنت اطلاعات مربوط به مواد منفجره را هم جست‌وجو کرده است. داعش مسئولیت حمله برلین را به عهده گرفت. تازه‌ترین گزارش‌ها حاکی است که انیس عامری در شهر میلان ایتالیا کشته شده‌است.

کریسمس در شهر برلین، تدابیر امنیتی در آلمان تشدید شده است. با این حال، به نظر می‌رسد دو مظنون دستگیر شده در اوبرهاوزن ارتباطی با حمله برلین نداشته باشند. دوشنبه این هفته کامیونی به میان جمعیت حاضر در بازارچه‌ی کریسمس در برلین راند که در نتیجه ۱۲ نفر کشته و ۴۹ نفر زخمی شدند. پولیس آلمان به دنبال یک مظنون تونسوی به نام انیس عامری، ۲۴ ساله، می‌گردد که به گفته‌ی مقامات به احتمال زیاد خودش با کامیون به مردم در بازارچه کوبیده بود. به گفته‌ی پولیس، اثر

اطلاعات روز: پولیس آلمان می‌گوید دو نفر را به ظن برنامه‌ریزی برای حمله به یک مرکز خرید در نزدیکی شهر اوبرهاوزن، واقع در غرب این کشو، دستگیر کرده است. به گفته‌ی پولیس، متهمان در کوزوو به دنیا آمده و برادر هستند؛ یکی از آن‌ها ۳۱ ساله است و دیگری ۲۸ سال سن دارد. به نقل از بی‌بی‌سی، مقامات روز گذشته گفتند که در پی دریافت اطلاعات محرمانه از سازمان‌های امنیتی، مأموران پولیس لباس شخصی به مرکز خرید یاد شده اعزام شده بودند. در پی حمله‌ی مرگبار دوشنبه‌شب به بازارچه

پوتین: روسیه از هر متجاوز بالقوه‌یی قوی‌تر است

برآورد می‌شود که روسیه و امریکا هر یک بیش از ۷ هزار کلاهک هسته‌یی داشته باشند. آقای پوتین در بخش دیگری از سخنان دیروز اتهام مداخله در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا را رد کرد و با اشاره به شکست حزب دموکرات در انتخابات کنگره گفت: «این چطور؟ این هم کار من بود؟» رئیس‌جمهور روسیه گفت: «طرف بازنده دنبال این است که تقصیر را گردن افراد دیگر بیندازد. اگر به مشکلاتی که درون خودشان هست توجه می‌کردند وضع‌شان بهتر می‌بود.» او در عین حال گفت نظام انتخاباتی امریکا «قدیمی و کهنه» است، اما این قانونگذاران امریکایی هستند که باید درباره تغییر شیوه انتخابات ریاست‌جمهوری تصمیم بگیرند.

انضمام شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه و دیگر درگیری‌های اوکراین، به همراه مداخله‌ی نظامی روسیه در سوریه، تنش را میان این کشور و قدرت‌های غربی تشدید کرده است. انتخاب دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری امریکا احتمال بهبود روابط امریکا و روسیه را تقویت کرده است، چرا که دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین پیش از این متقابلاً یکدیگر را ستایش کرده‌اند. با این وجود ولادیمیر پوتین روز پنج‌شنبه هم خواهان توسعه‌ی موشک‌های هسته‌یی شد که بتوانند از سد سیستم‌های دفاع ضد موشکی بگذرد. چند ساعت پس از او دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده هم گفت امریکا باید زرادخانه‌ی هسته‌یی خود را به‌طور عمده تقویت کند و گسترش بدهد.

اطلاعات روز: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، هشدار داده است که نیروهای نظامی کشورش در مقایسه با هر «متجاوز بالقوه‌یی» قوی‌تر هستند، چرا که روسیه موشک‌های هسته‌یی و دیگر تجهیزات نظامی خود را به‌روز کرده است. به نقل از بی‌بی‌سی، آقای پوتین، در نشست مطبوعاتی سالانه با خبرنگاران، گفت: «بر کسی پوشیده نیست که ما برای بهبود توان موشکی خود تلاش بسیار کرده‌ایم.» رئیس‌جمهور روسیه امریکا را به برانگیختن مسابقه‌ی تسلیحاتی متهم کرد و گفت خروج امریکا از پیمان محدودسازی موشک‌های ضدبالستیک در سال ۲۰۰۱، «به ایجاد شرایطی برای یک مسابقه‌ی تسلیحات هسته‌یی جدید انجامیده است.»

تقاضای پناهندگی عده‌یی از افسران ارتش ترکیه از امریکا

ترکیه بگذارند. از این فیلم‌ها می‌توان به‌عنوان سند همکاری افسران ترکیه‌یی مستقر در پایگاه‌های نظامی ناتو برای نشان دادن همکاری آن‌ها با کودتاچیان استفاده کرد. «نشان پابلیک رادیو» با چند افسر ارتش ترکیه که متقاضی پناهندگی اند مصاحبه کرده است. آن‌ها یک‌صد می‌گویند به این دلیل که به زبان انگلیسی تسلط دارند و در امریکا مستقرند، در مظان اتهام همکاری با کودتاچیان قرار گرفته‌اند. یکی از این افسران به «نشان پابلیک رادیو» گفته است شخصاً ۵۰ افسر را سراغ دارد که بعد از بازگشت به ترکیه دستگیر و محاکمه و به زندان محکوم شده‌اند. در سپتامبر سال جاری بیش از ۳۰۰ افسر بلندپایه‌ی ارتش ترکیه که در پایگاه‌های نظامی ناتو در کشورهای ایتالیا، بلژیک و هلند مستقر بودند، از بازگشت به ترکیه خودداری کردند و از کشورهای اروپایی تقاضای پناهندگی کردند.

به ترکیه بازگردند، احتمالاً بازداشت می‌شوند. ظاهراً دولت ترکیه بستگان این افسران را تحت فشار قرار داده است. یکی از افسران ترکیه‌یی به «نشان پابلیک رادیو» گفته است: «من دیروز با برادرم تلفنی صحبت می‌کردم. گفت مأموران پولیس به خانه‌ی او آمده بودند که بازداشتش کنند. اگر در ترکیه بودم حتماً بازداشت می‌کردند.» افسران ترکیه‌یی مستقر در پایگاه نورفولک از این وحشت دارند که دولت رجب طیب اردوغان برای تحت فشار قرار دادن آن‌ها، بستگانشان را به زندان بیندازد. «نشنل پابلیک رادیو» گزارش داده است که دولت ترکیه از پایگاه‌های نظامی ناتو تقاضا کرده که فیلم‌های دوربین‌هایی را که در دفتر کار افسران ترکیه‌یی در این پایگاه‌ها نصب شده و آن‌ها را هنگام کار زیر نظر دارد در اختیار مقامات امنیتی

اطلاعات روز: گروهی از افسران ارتش ترکیه که در پایگاه نظامی نورفولک در ایالت ویرجینیای امریکا مستقرند، بعد از ختم دوره‌ی خدمت‌شان در ایالات متحده‌ی امریکا از این کشور تقاضای پناهندگی کرده‌اند. به نقل از رادیو زمانه، آن‌ها متهم شده‌اند که در کودتای ۱۵ جولای دست داشته‌اند. تعداد دقیق این افسران بلندپایه مشخص نیست. «نشان پابلیک رادیو» گزارش داده که بیش از ۲۴ افسر ارتش ترکیه از امریکا تقاضای پناهندگی کرده‌اند. افسران ترکیه‌یی که از دولت امریکا تقاضای پناهندگی کرده‌اند، از افسران بلندپایه و آموزش‌دیده‌ی نیروی هوایی، دریایی و زمینی ارتش ترکیه‌اند. برخی از آنان بیش از سه سال است که در پایگاه نظامی ناتو در ایالت ویرجینا مستقرند. بستگان این افسران به آن‌ها هشدار داده‌اند که اگر

«تلفات سنگین» غیر نظامیان در حمله‌ی هوایی ترکیه در سوریه

شهر بوده‌اند. در درگیری واحدهای ارتش ترکیه با شبه‌نظامیان اسلام‌گرا در این شهر، شانزده نظامی ترکیه کشته شدند و ارتش ترکیه اعلام کرد که «انتقام» کشته شدن آنان را خواهد گرفت. همزمان، یک نوار ویدیویی در وبسایتی متعلق به داعش منتشر شده که به گفته‌ی این گروه، صحنه‌ی زنده‌ی سوزاندن دو نظامی اسیر ترکیه را نشان می‌دهد. در این تصویر، دو نفر که دست‌های‌شان با زنجیر بسته شده از قفس‌هایی بیرون آورده می‌شوند و افرادی پس از پاشیدن بنزین، آن‌ها را آتش می‌زنند. منابع دولتی ترکیه هنوز در مورد این ویدیو اظهار نظری نکرده‌اند.

شانزده غیرنظامی، از جمله سه کودک، منجر شده است. به این ترتیب، مجموع تلفات غیرنظامی این حملات تاکنون به ۸۸ نفر رسیده است. به نقل از بی‌بی‌سی، گروه ناظران حقوق بشر سوریه در مورد خسارات و تلفات احتمالی نیروهای دولت اسلامی (داعش) در نتیجه‌ی این حملات اطلاعاتی نداده است. براساس این گزارش، عملیات روز پنج‌شنبه و جمعه سنگین‌ترین حملات نیروهای ترکیه از زمان آغاز عملیات ارتش آن کشور در شمال سوریه در تابستان گذشته بوده است. شهر الباب در شمال سوریه و در فاصله حدود ۲۵ کیلومتری از مرز ترکیه قراردارد و طی هفته‌های اخیر، ارتش ترکیه و شبه‌نظامیان طرفدار ترکیه در صدد تصرف این

اطلاعات روز: برخی گزارش‌ها از تلفات غیرنظامیان در نتیجه‌ی حملات هوایی ترکیه به شمال سوریه حکایت دارد. در خبری دیگر، مقامات ترکیه هنوز نسبت به محتوای یک نوار ویدیویی داعش در مورد زنده سوزاندن دو نظامی اسیر این کشور واکنشی نشان نداده‌اند. صبح دیروز (جمعه، سوم جدی) گروه ناظران حقوق بشر سوریه گزارش کرد که حملات نیروی هوایی ترکیه به هدف‌هایی در شهر الباب واقع در شمال سوریه که روز پنج‌شنبه آغاز شده بود با شدت ادامه داشته است. به گفته‌ی این گروه، در حملات هوایی پنج‌شنبه ۷۲ غیرنظامی از جمله ۲۱ کودک کشته شدند و ادامه‌ی این عملیات در روز جمعه، تاکنون به کشته شدن

خناسازی یک طرح بزرگ تروریستی در استرالیا

بمب‌گذاری و حمله‌ی مسلحانه به مکان‌های نمادین شهر ملبورن، از جمله ایستگاه راه‌آهن، کلیسای جامع و میدان فلاراسیون بخشی از این حمله خنثا شده است. چهار نفر از پنج مظنون بازداشتی، استرالیایی‌هایی با اصلیت لبنانی هستند و نفر پنجم نیز یک استرالیایی متولد مصر است. به گفته‌ی پولیس، تمام مظنونان برای دو هفته تحت نظر بوده‌اند.

دستگیر شدند که دو نفر از آن‌ها از جمله یک زن، پس از ساعاتی آزاد شدند. به نقل از یورو نیوز، مالکوم ترنبول، نخست‌وزیراسترالیا روز جمعه گفت: «جشن‌های کریسمس نزدیک است. زمان شادی و خوشی. تروریست‌ها به دنبال مختل کردن آن‌ها بودند. طرح آن‌ها خنثی شد. آن‌ها در بازداشت هستند و دیگر تهدیدی برای امنیت استرالیا محسوب نمی‌شوند.»

اطلاعات روز: بنا بر اعلام مقامات استرالیا، به‌تازگی یک «توطئه‌ی بزرگ تروریستی» در این کشور کشف و خنثا شده است. در جریان این حمله که قرار بود در روز کریسمس انجام شود، چندین منطقه‌ی شهر ملبورن، دومین شهر بزرگ استرالیا هدف قرار گرفته بود. به گفته‌ی پولیس، هفت نفر در ارتباط با این پرونده



ونگر: اوزیل پاسخ انتقادات را در زمین خواهد داد

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال عنوان کرد که مسوت اوزیل با درخشش در زمین پاسخ منتقدینش را خواهد داد.
هافبک آلمانی در جریان دیدار مقابل سیتی نتوانست درخشان ظاهر شود؛ از همین رو مورد انتقاداتی قرار گرفته است ولی ونگر شکی ندارد که اوزیل در دیدار مقابل وست بروم در باکسینگ دی، درخشان ظاهر خواهد شد.
او گفت: «باید انتقادات را قبول کنیم و با آنها زندگی کنیم. مردم موضوعات مختلف را بررسی کرده و نظرشان را می دهند. انتقاد اتفاق نرمالی است. ولی اوزیل بازیکن مهمی است، بازیکنی بزرگ و بازیکن بزرگ همیشه در زمین پاسخ می دهد. به او استراحتی نخواهم داد. او هم باید مثل بقیه تمرین و تلاش کند. توانایی اصلی او زمانی است که توپ در اختیار ماست و وقتی توپ را در اختیار نداریم، او بیشتر از همه سختی می کشد. مسوت کارش را به خوبی انجام می دهد.»

نصری: سویا کاملا مناسب من است

دسته تیم هاست که بازیکنان را به اوج برمی گرداند. از خسوس ناواس، داوید سیلوا و نولیتو در رابطه با باشگاه، شهر و... سوال کردم و همه چیز خوب بود. با گواردیولا هم صحبت کردم و او گفت که یک مربی شخصی بسیار عالی به نام خوانما لیو در آنجا حضور دارد و این تنها چیزی بود که لازم داشتم. این باشگاه کاملا مناسب من است.»

او گفت: «پیش فصل خوبی داشتم ولی تغییر نیاز بود. گواردیولا می خواست که من بمانم. در فصل آخر من مصدومیت های زیادی را تحمل کردم و می خواستم شروعی دوباره داشته باشم، شروعی تازه. بنابراین با دیگر باشگاه ها تماس گرفتم ولی وقتی شنیدم که سویا من را می خواهد، می دانستم که به دنبالم خواهند آمد. اگر فوتبال را بشناسید، قطعا می دانید که سویا از آن

مسیر نصری، هافبک سویا که به صورت قرضی در این تیم بازی می کند، مدعی شد که این باشگاه کاملا مناسب او بوده است.

هافبک ۲۹ ساله به صورت قرضی و برای یک فصل از سیتی به سویا پیوست و در طی این مدت درخشش چشمگیری در این تیم داشته و حال مدعی شد که سویا تیمی کاملا مناسب او بوده است.

پاسخ تیم وکالتی باشگاه رئال مادرید به مدیر بارسا

پس از این که محرومیت باشگاه رئال مادرید از خرید بازیکن در دادگاه حکمیت ورزشی کاهش یافت (اتفاقی بی سابقه)، مدیر بارسلونا عنوان کرد که از تیم وکالتی رئال مادرید که همان تیم وکالتی بارسلونا در مورد مشابه دو سال پیش بود، توضیح خواهد خواست.

بارسلونا دو سال پیش از سوی فیفا به دلیل نقض قانون در جذب بازیکنان زیر ۱۸ سال، از خرید بازیکن در دو پنجره نقل و انتقالاتی محروم شد. فرجام خواهی این باشگاه در دادگاه حکمیت ورزشی نیز به جایی نرسید؛ اما امسال باشگاه رئال مادرید که با اتهامی مشابه بارسلونا روبرو شده بود، نتوانست محرومیت خود را به یک پنجره نقل و انتقالاتی کاهش دهد. جالب این که تیم وکالتی هر دو باشگاه یکی بود. بارتومئو، رئیس باشگاه بارسلونا پس از مشخص شدن کاهش محرومیت رئال عنوان کرده بود که از شرکت حقوقی پیتو-دل واله در این زمینه توضیح خواهد خواست. او گفت که اگر عدالتی وجود داشته باشد، باید رئال مادرید نیز همچون بارسلونا از خرید بازیکن در دو پنجره نقل و انتقالاتی محروم می شد. به ادعای موندو پورتو، دیروز صبح تیم وکالتی رئال، پاسخ رئیس باشگاه بارسلونا را به صورت تلفنی به وی داده است. طبق همین گزارش، آن ها عنوان کرده اند که مورد رئال شامل فقط یک نقض قانون آشکار بود و باقی موارد را این باشگاه در مدت زمان مقرر شده اصلاح کرد؛ اما در پرونده بارسلونا ۵ مورد نقض قانون آشکار وجود داشت و به همین دلیل آن ها نتوانستند در دادگاه حکمیت ورزشی حکم محرومیت بارسا را کاهش دهند.

جدایی طلب های رئال به ۲ افزایش یافتند

تنها خامس رودریگز نیست که قصد دارد همین زمستان رئال را ترک کند.

پس از فینال جام جهانی باشگاه ها بود که خامس رودریگز، ستاره کلمبیایی رئال از تمایل خود برای جدایی از رئال خبر داد. او عنوان کرد که به دلیل این که به وی کمتر بازی می رسد، دوست دارد پیشنهاد های مختلفی که دارد را بررسی کرده و همین زمستان رئال را ترک کند. سیاست رئال اما ابتدا پیدا کردن جانشین برای خامس و سپس موافقت با فروش وی است و به همین دلیل احتمال جدایی این بازیکن در زمستان بسیار اندک است. به ادعای منابع اسپانیایی، نه تنها خامس که یکی دیگر از بازیکنان رئال نیز دوست دارد در نقل و انتقالات زمستانی به تیمی دیگر بپیوندد. مارتین اودگارد، ستاره جوان نارویژی که زمستان ۲۰۱۵ به رئال پیوست و برای تیم دوم این باشگاه بازی می کند، در نقل و انتقالات تابستانی تمایل داشت رئال را ترک کند اما معضل سن برای او مشکل ساز شد؛ با این حال او که حالا ۱۸ ساله شده، می تواند به راحتی با تیم مورد نظر خود قرارداد رسمی ببندد. موضع باشگاه رئال در مورد اودگارد، انتقال قرضی او به تیمی دیگر است.

اعتراف مالک PSG به اشتباه در خرید خسه

خسه رودریگز، مهاجم سابق رئال، تابستان امسال با رقم ۲۵ میلیون یورو به پاری سن ژرمن پیوست اما هرگز نتوانسته بازدهی مناسبی داشته باشد.

ناصر الخلیفی، مالک قطری PSG در همین رابطه به لوپاریزین گفت: «با اونای امری (سرمربی) و کلاپورت (مدیر ورزشی)، به بررسی خرید های تابستانی مان پرداختیم. شکی نیست که همه ما صلاح باشگاه را می خواهیم. امری حرف خوبی به من زد. او به من گفت که وقتی اشتباهی مرتکب می شویم، باید به اصلاح آن بپردازیم نه این که با آن زندگی کنیم. مطمئنا ما خریدی اشتباه در فصل تابستان داشتیم (خسه) و خودمان به این مساله واقفیم و حالا در نقل و انتقالات زمستانی این فرصت را داریم تا آن را جبران کنیم. درهای خروج باشگاه باز است.»

اسکار به شانگهای چین پیوست

باشگاه چلسی تایید کرد که اسکار، هافبک برزیلی این تیم به باشگاه شانگهای چین خواهد پیوست.

هافبک ۲۵ ساله، ۴ فصل در استمفوردبریج بازی کرد و موفق شد لیگ برتر، لیگ اروپا و جام اتحادیه را به دست آورد. حال قرار است او سالانه ۲۰ میلیون پوند در لیگ چین حقوق بگیرد. باشگاه چلسی در تویترش این خبر را تایید کرد و نوشت: «اسکار از زحمات تو ممنونیم و برایت در آینده بهترین ها را آرزو داریم.»

سانه: تلاش می کنم خودم را در سیتی ثابت کنم

برایم خیلی سخت بود و همین طور حضور در یک لیگ جدید و یک کشور جدید و هماهنگی با آن. ولی تمام تلاشم را می کنم تا خودم را هماهنگ کنم. اگر از این منظر نگاه کنیم، در تلاشم خودم را با سطح تیم اصلی هماهنگ کنم و رو به جلو پیش بروم. با این بازیکنان استثنایی بازی کنم و سعی کنم بهترین عملکرد را برای تیم داشته باشم.»

نمایش های نسبتا خوبی داشته که گول زنی اش مقابل آرسنال بسیار مورد توجه قرار گرفت و حال او ابراز امیدواری کرد که بتواند درخشش خود را ادامه دهد. او گفت: «خوشحالم که اولین گولم را به ثمر رساندم. مصدومیت برایم سخت بود ولی من به توانایی های خود اطمینان دارم. می دانم بیشتر از قبل از من خواهید دید. تلاش می کنم بهتر کار کنم. مصدومیت

لروی سانه، هافبک آلمانی منچستر سیتی عنوان کرد که در تلاش است پس از شروعی ضعیف در این تیم، خودش را ثابت کند.

هافبک آلمانی که در تابستان از شالکه به سیتی پیوست، نتوانست آن طور که انتظار می رفت بدرخشند که بخش عمده آن به علت مصدومیت از ناحیه همسترینگ بود. او در هفته های اخیر

مدافع چپه کونزه به دنبال بازگشت به میادین

دوستانم را از دست دادم و فقط چیزهای خوب از این تیم به خاطر دارم. از همه برای کارهایی که برایم کردند ممنونم. ایمان دارم که به زودی می توانم فوتبال بازی کنم. اگر خدا بخواهد، به میادین با پیراهن چپه کونزه باز خواهم گشت.»

بیمارستان او عنوان کرد که قصد دارد دوباره به میادین فوتبال بازگردد. او گفت: «به این جا آمدم زیرا باید از آن هایی که در کنار من جنگیدند تشکر کنم. صحبت نکردن از آن هایی که زنده مانده اند غیرممکن است. من

نتو، مدافع چپه کونزه که روز پنجشنبه از بیمارستان مرخص شد قصد بازگشت به میادین فوتبال را دارد. مدافع ۳۱ ساله یکی از ۶ نفری بود که از حادثه سقوط هواپیما تیم چپه کونزه که در آن ۷۱ نفر کشته شده بودند نجات یافته بود. پس از ترک

کونته: از فشار صدرنشینی استقبال می کنیم

این جایگاه را به دست آوردیم و حالا بسیار مهم است که حفظش کنیم. قطعا آسان نخواهد بود. فکر می کنم باید این فشار بر روی ما باشد. این را می دانیم و برای همین است که حالا این قدر خوب کار کرده ایم. اگر در ذهنم به ابتدای فصل سفر کنم، خیلی نیستند کسانی که صدرنشینی چلسی را پیش بینی می کردند.»

استقبال فشاری که به واسطه این عملکرد خوب و صدرنشینی به تیم وارد می شود رفت. او گفت: «این که در این موقعیت بمانیم اتفاق بسیار خوبی است. من به کسانی که می گویند بهتر است در این مقطع دوم بود زیرا فشار صدرنشینی به سراغتان می آید، اعتماد ندارم. من فشار ناشی از صدرنشینی در صدر جدول را ترجیح می دهم. ما

آنتونیو کونته، سرمربی چلسی مدعی شد که از فشاری که به واسطه صدرنشینی به تیم وارد می شود استقبال می کند.

شاگردان کونته در ۱۱ بازی اخیرشان به پیروزی رسیده اند. آن ها تا به این جا از موفق ترین تیم های لیگ برتر بوده اند و با اختلاف نسبت به تیم دوم یعنی لیورپول صدرنشین هستند و حال کونته به

توافق پاری سن ژرمن و ولفسبورگ بر سر دراکسلر

پرنس، ۱۰ میلیون یوروی دیگر هم نصیب ولفسبورگ خواهد شد. در تابستان گذشته آرسنال هم سخت به دنبال به خدمت گرفتن این ستاره آلمانی بود اما به نظرمی رسد مقصد او به جای لندن، پاریس خواهد بود؛ جایی که قراردادی ۳ یا ۴ ساله با پی اس جی امضا خواهد کرد.

اما گفته می شود بعد از نتایج ضعیف پاری سن ژرمن در این فصل با هدایت اونای امری، اکنون مدیران این باشگاه به دنبال تقویت تیم شان در جنوری هستند و انتقال ۳۵ میلیون یورویی دراکسلر در اولویت آن ها قرار دارد. البته در صورت درخشش دراکسلر در پارک دو

سایت گول اعلام کرد که باشگاه های پاری سن ژرمن و ولفسبورگ بر سر انتقال جولیان دراکسلر، ملی پوش جوان آلمانی، به توافق رسیدند.

دراکسلر ۲۳ ساله در تابستان ۲۰۱۵ از شالکه به ولفسبورگ پیوست و قراردادی ۵ ساله با این باشگاه امضا کرد.

پاکو آلكاسر: گول زنی در نوکمپ طعم ویژه ای دارد

۷-۰ بارسا در برابر هرکولس در جام حذفی، موفق شد برای اولین بار برای تیم جدیدش گول زنی کند. آلكاسر گفت: «گول زنی برای بارسلونا در نوکمپ حس بسیار خاص و ویژه ای دارد. اما از نظر من مهم ترین اتفاق تصویری است که بارسا در این

پاکو آلكاسر، مهاجم جوان و اسپانیایی بارسلونا از گول زنی برای تیمش در برابر هرکولس ابراز خوشحالی کرد. این مهاجم ۲۳ ساله که در اواخر تابستان از والنسیا به بارسا پیوست، تا به حال نتوانسته بود برای این تیم گول زنی کند اما بالاخره و در جریان پیروزی



دومین روز اعتصاب شرکت‌های مسافری مسیر کابل - قندهار - هرات



شاه ابدالی به رادیو آشنا صدای امریکا گفته است تا زمانی که مشکلات آنان حل نشود، آنان از انتقال مسافری در مسیر این شاهراه خودداری می‌کنند. او گفته: «تمام شرکت‌های ترانسپورتی که

بد ترمینال غرب کابل، که مسافران از آن‌جا به سوی مناطق جنوبی و غربی کشور سفر می‌کنند، گفته که این ترمینال محلی مناسبی نیست که انسان‌ها در آن اقامت کنند. حاجی احمد الله، رییس شرکت مسافری احمد

اطلاعات روز: دو روز می‌شود که شرکت‌های مسافری شاهراه کابل - قندهار - هرات در ساحه‌ی کمپنی کابل دست به اعتصاب کاری زده‌اند. آنان از دولت می‌خواهند که به مشکلات این شرکت‌ها رسیدگی کند.

رانندگان و مالکان این شرکت‌ها گفته‌اند که به دلیل مداخله‌ی برخی از ارگان‌های حکومتی غیرمرتبط محلی در فعالیت‌های آنان، شاهراه کابل - هرات و اضافه‌ستانی پول از سوی برخی ایست‌های بازرسی از روز پنج‌شنبه بدین سو اعتصاب کاری کرده‌اند. آنان که در ساحه‌ی کمپنی کابل دست به اعتصاب کاری زده‌اند از حکومت می‌خواهند هرچه عاجل در زمینه‌ی بازسازی این شاهراه اقدام شود تا آنان فعالیت‌های ترانسپورتی خود را از سرگیرند. صدها بس در ترمینالی در ساحه‌ی کمپنی، پارک شده است.

بنیامین وردک، مسئول یکی از این شرکت‌ها روز جمعه به بی‌بی‌سی گفته است که «بی‌توجهی دولت» نسبت به خرابی جاده‌ها و عدم کنترل ترافیک در جاده‌ها باعث افزایش رویدادهای ترافیکی شده است.

آقای وردک تأکید کرده که در برابر خدماتی که شرکت‌های مسافری به شهروندان ارائه می‌کنند، دولت کار درخوری برای بهبود سفر در جاده‌ها انجام نداده است. او با اشاره به وضعیت

تعدادشان به ۴۴ شرکت می‌رسد در ساحه‌ی کمپنی شهر کابل، دروازه‌های شرکت‌های خود را بسته‌اند.»

در همین حال محمدالله بتاش، وزیر ترانسپورت افغانستان در دیدار با مالکان این شرکت‌ها گفته است که مشکل آن‌ها را با رییس‌جمهور غنی در میان خواهد گذاشت. اما معترضان گفته‌اند تا زمانی که یک پاسخ قاطع از دولت نشوند، به اعتصاب ادامه خواهند داد.

از سویی هم گزارش‌ها از قندهار نیز حاکی است که از روز پنج‌شنبه مالکان شرکت‌های مسافری در این ولایت نیز دست به اعتصاب کاری زده‌اند. رییس شرکت مسافری احمد شاه ابدالی گفته است که در ولایات، تحقیقات همه‌جانبه در زمینه‌ی ادعاهای موجود مبنی بر استفاده از مواد نشه‌آور توسط رانندگان انجام شود.

اعتصاب کاری رانندگان و شرکت‌های مسافری در کابل پس از آن آغاز شد که در پی تصادف یک بس با یک تانکر تیل در ولایت فراه ۱۶ نفر کشته و ۳۲ نفر دیگر زخمی شدند.

آمار تصادف جاده‌ی در افغانستان بالا است و بیشتر خرابی جاده‌ها و بی‌احتیاطی راننده‌ها دلایل وقوع این رویدادها گفته شده است. شاهراه کابل - هرات نیز در سال‌های اخیر به‌ایر اضافه‌وزن موترهای باری و انفجارها شدیداً تخریب شده است.

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

- 1 مسافری محترم آریانا می‌تواند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌تواند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

برنامه ملی میثاق شهروندی چه ابعادی دارد؟

داشته باشد، هموطن روستایی ما نیز بتواند از آن مستفید گردد. نقش برجسته و تشریک فعالیت زنان با مردان در شوراهای انکشافی، اصل دیگر یست که از طریق آن، بخش مهم و قابل توجه جامعه در امر انکشاف کشور سهیم میشوند. زنان در این برنامه نقش و سهم بیشتر خواهند داشت. چنانچه به گفته وزیر احیا و انکشاف دهات در انتخابات شوراها و یاهم در ایجاد شوراهای جدید، باید زنان رهبری شوراها (۵۰٪) سهم داشته باشند.

میثاق شهروندی طی ده سال آینده در سراسر کشور تطبیق میگردد که در مرحله اول، یک برسه حصه کشور را در ۳۴ ولایت کشور تحت پوشش قرار خواهد داد.

هزینه این برنامه در کل، بیشتر از یک میلیارد دلار امریکایی پیشبینی گردیده است. تمویل این برنامه یکی از اولویت های حکومت بوده و اولین تمویل کننده آن خود حکومت میباشد که بودجه (۱۳۰۰۰۰۰۰۰) دالری را در قدم اول در نظر گرفته است. همچنان (۴۰۰۰۰۰۰۰) دالر امریکایی از طریق صندوق وجهی بازسازی افغانستان و (۱۰۰۰۰۰۰۰) دالر امریکایی دیگر از طریق نهاد انکشافی بین المللی در مرحله اول برای چهار سال در نظر گرفته شده است. یعنی مجموعاً (۲۳۰۰۰۰۰۰۰) دالر برای چهار سال اول از مجموع یک میلیارد دالر پیشبینی شده، فعلاً در بودجه موجود است.

بدین اساس، برنامه ملی میثاق شهروندی، در واقع بزرگترین روند انکشافی در سرتاسر افغانستان است که فاصله شهرها و دهات را کوتاه ساخته و شهروندان روستایی و شهری تمام کشور را مجال میدهد تا با ابتکار و عمل خویش بتوانند آنچه نیازمندی شان است، اولویت بخشند و در امر تطبیق آن در ساحه عمل، خود دست اندرکار و فعال باشند.

اصولاً هدف بنیادی برنامه ملی میثاق شهروندی، ایجاد زمینه ها و امکانات انکشاف دوامدار برای مردم کشور بوده و تلاش صورت میگیرد تا با احداث و تطبیق پروژه های بزرگ تر، روند انکشاف دراز مدت، تأمین گردد. تعهد صادقانه مردم و دولت باهم، این زمینه را فراهم خواهد ساخت تا در پرتو دستاورد های برنامه ملی میثاق شهروندی، مردم کشور ما به یک پیمانۀ وسیع به رشد و انکشاف دست یابند و با تقویت بنیه اقتصادی شان با فقر و پسمانی وداع نمایند.



راه یافت، ولی برای اینکه دستاوردهای مذکور افغانستان شمول و همگانی شود، برنامه ملی میثاق شهروندی از نقطه پایان آن، آغاز گردید. بدیهی است که هر برنامه از خود ابعاد و معیارهای خاص خود را دارد که به گونه گذرا به چند بعد برنامه ملی میثاق شهروندی مکتب میکنیم:

یکی از ابعاد برنامه ملی میثاق شهروندی، همانا پرداختن به انکشاف شهری در کنار انکشاف دهات و روستاهای افغانستان است. همچنان در این برنامه ملی، به بیجا شده گان، عودت کننده گان، بیوه ها، کوچیان و سایر هموطنان مستحق ما نیز توجه صورت میگیرد. البته علاوه بر شوراهای انکشافی قریه که در برنامه همبستگی ملی موجود بود، شوراهای انکشافی شهری نیز در این برنامه، ایجاد خواهد شد و همیا با شوراهای انکشافی قریه ها، جریان انکشاف و رشد اقتصادی اجتماعی را بنا برخواست و تصمیم مردم در شهرها نیز به پیش خواهند برد.

برنامه ملی میثاق شهروندی میزان فقر و تنگدستی را در خانواده ها کاهش میدهد و تلاش می ورزد تا در جریان تطبیق خویش در عمل، روستاییان و شهریان را به گونه متوازن و همسان از پروسه انکشاف اقتصادی و اجتماعی بهره مند سازد. یعنی به آنگونه سهولت ها و امکاناتی که یک شهروند شهری ما میتواند دسترسی



- انکشاف شهرها و روستاها
- اصل توازن، شفافیت و حسابدهی در سراسر افغانستان
- سهم دادن به اقشار مختلف مردم کشور

برنامه ملی میثاق شهروندی یکی از بزرگترین بین برنامه های انکشافی جمهوری اسلامی افغانستان است که با داشتن ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی و انکشافی خود در سراسر افغانستان تطبیق خواهد شد. این برنامه بزرگ نه تنها در دهات کشور، بلکه در شهرها نیز روند انکشاف را دنبال نموده و با تجاری که از برنامه همبستگی ملی در بیشتر از ۱۳ سال گذشته بدست آمده است، روند بازسازی، نوسازی و احداث پروژه های عام المنفعه را بوسیله مردم شهرها و روستا های کشور ادامه خواهد داد.

برنامه ملی میثاق شهروندی با تعهد مستحکم و دو جانبه یی که میان دولت و مردم افغانستان تطبیق میگردد، چشم انداز های وسیع ترقی، بهسازی و انکشاف متوازن را برای مردم افغانستان نوید میدهد. هر چند که در بیشتر از یک دهه گذشته، برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات همراه با دستاورد های بینظیری، سیمای روستا های کشور را تغییر داده و همچنان این تغییر به گونه مثبت و ماندگار آن در زنده گی روستا نشینان ما نیز